

دو بار فروپاشی همسایه شمالی و بهره‌نبردن ایران

اینکه تزارها رفتاری سخت‌بی‌رحمانه و خشن با همسایه جنوبی خود داشتند از معاهدات گلستان و ترکمانچای پیداست. شاید باشند هنوز سالمندانی در مشهد و تبریز که خاطرات زشتی از رفتار روس‌ها در خاطر دارند. هنگامی که لنین با شعار معروفش عنان کشور شوراها را به دست گرفت چهرین وزیر امور خارجه دولت اتحاد جماهیر شوروی تصمیم کشورش را طی مراسله‌ای مبنی بر انقو کلیه قراردادهای استعماری با ایران اعلام کرد. در این راستا هیاتی مرکب از ۱۷ نفر و به ریاست شخصی به نام کالامیتسف به ایران آمدند ولی در مازندران در اثر توطئه‌ای در یک دادگاه به ریاست استاروسلکی محاکمه و همگی تیرباران می‌شوند و در اطراف شهر ساری دفن می‌شوند. ضمن تحقیقات معلوم شد این هیات حامل قراردادی شامل ۱۶ ماده بوده که آن را برای امضا و گروهی به ایران آورده بودند که یکی از این مواد مربوط به اعطای امتیازاتی در مورد آذربایجان قفقاز بود. در ازای شناسایی اتحاد جماهیر شوروی از طرف ایران… و بعدها هم که قراردادی بین دو کشور منعقد شد، ایران از این موقعیت استثنایی جهت پس گرفتن تمام یا بخشی از امتیازاتی که طی دو قرارداد تنگین و به زور سرنیزه به روسیان داده بود استفاده نکرد…

و در سال ۱۹۹۱ که اولین فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی اتفاق افتاد و این کشور پهناور و کمونیستی ۱۵ پاره شد باز هم ایرانیان با شناختن استقلال تمام کشورهای جداشده از اتحاد جماهیر منجمله کشورهای بین دریای مازندران و سیاه پرونده این مناطق زرخیز که متعلق به ایران بود و با قلدری پاسکویچ و حماقت فتحعلی‌شاه از ایران جدا شده بود برای همیشه بسته شد.

دو وزیر لایق و دو حمام خون

خون دو وزیر ایرانی یکی در سرخس و دیگری در کاشان کاشی‌های حمام را رنگین کرد و لعنت ابدی بر آنان…

فضل‌بن سهل سرخسی وزیر باندبیز و مقتدر مامون آنچنان با کیاست و قدرت حکمرانی می‌کرد که مامون بدون مشورت او کوچک‌ترین تصمیمی نمی‌گرفت. هم او بود که پیشنهاد کرد امام رضا(ع) به ولیعهدی انتخاب شود و می‌گفت: ابومسلم سال‌ها شمشیر زد تا دولت از خاندانی به خاندان دیگر منتقل کرد و من با یک تدبیر این‌ کار بکردم. مامون به‌رغم علاقه شدید خود به فضل، اما با تمایلات شیعی او چون وضیعت موجود را تهدیدی برای حکومت خود می‌دید دست به اقدام هولناکی زد و آن کشتن فضل بود که ماموران او در سرخس به داخل حمام رفته و او را به قتل رساندند. وزیر دیگری که در دوران سیاه ناصری چون شهبایی درخشان درخشیدن گرفت و دارالفنون او در جنوب میدان توپخانه مهجور، داستان نخبه‌کشی ایرانیان را فریاد می‌زند میرزاتقی‌خان امیرکبیر بود که خون او هم در فین کاشان به زمین ریخت و بخشی از آن به صورت مشت‌ی خائن و وطن‌فروش چون میرزا آقاخان و مهدعلیا و ناصرالدین‌شاه و حاج‌علیخان فراشبازی ریخت تا برای همیشه تاریخ نگ این رسوایی را به دوش بکشد.

دو دیپلمات خارجی که در ایران کشته شدند

مجلس چهارم مشروطه تصویب کرد که به دو شرکت امریکایی سینکلر و استاندارد اویل امتیاز نفت شمال داده شود. مقارن این احوال انگلستان هم برای امتیاز به یک شرکت انگلیسی به ایران فشار آورد که ایران موافقت نکرد. در سال ۱۳۰۳ لایحه نفت شمال در مجلس پنجم مطرح شد و حتی



چند ماده آن هم به تصویب رسیده بود که… ناگهان شایع شد که سقاخانه چهارراه شیخ هادی معجزه کرده و چند نفر شل و کور را شفا داده‌در این واقعه پای نصرالدوله و احدشاه و اقلیت مجلس هم دخیل بود و قصد ساقط کردن دولت را داشتند.

به موجب اسناد آرشیو ملی امریکا والاس موری کاردار موقت سفارت امریکا در تهران معتقد بوده که در واقعه سقاخانه شرکت نفت هم برای جلوگیری از واگذاری امتیاز نفت به امریکایی‌ها فعالیت می‌کرده است.

در واقعه سقاخانه طیف وسیعی از خائنان داخلی و شرکای خارجی و به عبارتی ایر و باد و مه خورشید و فلک دست به دست هم داده‌ت تا مازور ایمری و دوستش برای عکسبرداری از سقاخانه به محل آمده و ناگهان شخصی فریاد بزند: این فرنگی نجس است و بایی‌ها او را فرستادن تا زهر در سقاخانه بریزند. و ایمری و دوستش بعد از کتک مفصلی که از مردم می‌خورند برای مداوا به بیمارستان نظمیه برده می‌شوند و پرده آخر این نمایشنامه که وجود توطئه را ثابت می‌کند به جوانی واگذار می‌شود که به طریقی به داخل بیمارستان آمده و با آجری که در زیر جامه خود پنهان کرده به سر ایمری زده و او را می‌کشد.^۲

دومین دیپلمات خارجی هم که در ایران و باز هم برابر توطئه‌ای کشته شد کالامیتسف است که شرح آن داده شد: نتیجه اخلاقی این است که ما ایرانیان استاد مسلم فرصت‌سوزی هستیم و رادارمان وقتی روشن می‌شود و به کار می‌افتد که مدت‌ها از واقعه گذشته و به تاریخ پیوسته است.

- سلطان احمدشاه، حسین مکی، ص ۲۵۴
- رضاشاه از تولد تا سلطنت، ص ۶۷۶ با کمی تغییرات

شما و تاریخ

ما تاریخی کهن داریم و به درازای آن از رنج‌ها و گنج‌های بیشتری نسبت به سایر ملت‌ها برخوردار شده‌ایم. گنجینه آثار باستانی ما سرمایه ملی غیرقابل تکرار و غیرقابل تولیدی است که در جای‌جای این سرزمین کهن به چشم می‌خورد، درحالی که چندان قدر آن ندانیم و از فرط وفور به چشم‌مان نیاید. از سوی دیگر گذشته پرماجرای ما مشحون از تجربیاتی است که خود چراغی برای ساخت آینده است.

اما در این زمینه هم ما نیازمند تلاش بیشتری هستیم. مرور گذشته‌ها و رنج‌هایی که پدران ما کشیدند بی‌تربید می‌تواند ما را در حل مشکلات جاری و آینده یاری رساند.

از این رو صفحه تاریخ گرچه مربوط به گذشته است اما بی‌مناسبت با امروز و فردا نیست.

ما در سطح ملی نیازمند بازنگری و بازبینی گذشته‌ای هستیم که بر پایه آن باید بناهای تازه را بنیاد نهیم.

از این‌ رو صفحه تاریخ به روی همه هموطنان گشوده است تا از تجارب و مطالعات و پژوهش‌های تاریخی شما بهره‌مند شود.

طبیعی است نسبت به گذشته نیز نظرگاه‌های متفاوت و گاه متضادی وجود داشته باشد و بی‌گمان در آن زمینه امکان گفت‌وگو و تبادل نظر بیشتر از سایر مسائل فراهم است.

مطالب خود را می‌توانید به این ای‌میل ارسال کنید: safhetarihi@gmail.com
منظر نظریات و انتقادات و آثار مستند شما هستیم.

۱۲ تاریخ سال پنجم ■ شماره ۱۰۷۷ ■ یکشنبه ۱۱ مهر ۱۳۸۹

۱۲ تاریخ

■ سیروس غفاریان

در ۱۹۵۰ دولت چین به رهبری مائو به پشتیبانی کره شمالی به رهبری «کیم ایل سونگ» که یک رژیم کمونیستی در بالای مدار ۳۸ درجه عرض شمالی تشکیل داده بود وارد جنگ شد و با ارتش کره جنوبی و ایالات متحده در مسیر رودخانه یالو جنگید و تلفات سنگینی متحمل شد و سپس در جنگ ویتنام علیه فرانسویان و سپس امریکایی‌ها از رژیم هوشی مین پشتیبانی کرد. در جریان جنگ «ویت‌کنگ‌ها» (جبهه آزادیبخش ویتنام جنوبی) با ارتش امریکا به ویت‌کنگ کمک می‌کرد. البته رژیم اتحاد شوروی نیز کمک‌های شایانی به رژیم ویتنام شمالی می‌کرد.دولت امریکا به رهبری نیکسون تنها راه پایان دادن به جنگ ویتنام را دوستی با چین و خارج کردن این کشور از انزوا و وارد کردن نماینده چین کمونیست به سازمان ملل متحد می‌دانست. روسیه شوروی نیز تا زمانی که با چین به رهبری مائو دچار اختلافات ایدئولوژیک نشده بود خواستار ورود نماینده چین در کرسی شورای امنیت بود و ضمناً کمک‌های اقتصادی و فنی به چین می‌کرد. از این نظر بهتر است رابطه جمهوری خلق چین را با شوروی و هندوستان که دو همسایه بزرگ و پرجمعیت چین هستند، بررسی کنیم.

■ **نظری به روابط چین و شوروی**

در ابتدای تشکیل حکومت جمهوری خلق چین این کشور با دریافت کمک‌های اقتصادی و نظامی توانست تا اندازه‌ای بر مشکلات داخلی خود پیروز شود. روس‌ها با اعزام عده زیادی کارشناس در کار نوسازی وایجاد مراکز صنعتی به ویژه صنایع سنگین، همکاری و کمک‌هایی کردند.در سال ۱۹۵۵ شوروی با جمهوری خلق چین موافقتنام‌ای امضا کرد تا در برنامه‌های اتمی این کشور جهت منظوره‌ای صلح‌جوانه کمک کند. در «سین کیانگ» چینی‌ها با کمک اتحاد شوروی راکتورهای اتمی ساختند و با استخراج اورانیوم در منطقه «سیچوان» در این منطقه نیز یک راکتور اتمی به راه انداختند. بالاخره در ۱۵ اکتبر ۱۹۶۴ اولین بمب اتمی چین با موفقیت آزمایش شد و اتفاقاً در چنین روزی خروشچف رهبر حزب کمونیست شوروی که به چینی‌ها اتخاذ روش‌های هم‌زبستی مسالمت‌آمیز را پیشنهاد می‌کرد، معزول شد. چین قبلاً در ۱۴ ژوئن ۱۹۶۳ طی اعلامیه بلندیابایی، شوروی به رهبری خروشچف را با لقب سوسیال‌امپریالیسم یاد کرده بود و متعاقب آن ارتباط ایدئولوژیک بین پکن و مسکو قطع شد. آزمایش اولین بمب اتمی چین در منطقه «کانتسو» وحشتی در دل سیاستمداران غرب انداخت. در همان سال فرانسه به رهبری دوگل رژیم مائو را به رسمیت شناخت. انگلستان قبلاً به سبب داشتن منافع در هنگ‌کنگ رژیم چین را به رسمیت شناخته بود و کشورهای غیرمتعهد بعد از کنفرانس باندونگ به اتفاق، رژیم پکن را به رسمیت شناخته بودند. در ۱۷ ژوئن ۱۹۶۷ چین نخستین بمب هیدروژنی خود را نیز آزمایش کرد و در فاصله ۱۹۶۴ تا ۱۹۶۷ چندین موشک قاره‌پیما را نیز با موفقیت پرتاب کرد. از زمان خروشچف که اختلاف ایدئولوژیک بین پکن و مسکو شدت یافت اختلافات مرزی در منطقه اوسوری از جانب چینی‌ها عنوان شد و حتی بعد از برکناری خروشچف با آنکه کاسیگین نخست‌وزیر شوروی به بهانه هماهنگی بین روسیه و رژیم ویتنام شمالی در زمینه جنگ به آن کشور رفت و در بازگشت به مسکو از پکن نیز بازدید کرد ولی همچنان رابطه مسکو و پکن سرد باقی ماند و در منطقه رودآمور و منطقه اوسوری نبرد مرزی هم بین دو طرف اتفاق افتاد. این اختلافات بین دو کشور ادامه داشت تا آنکه بعد از فروپاشی رژیم شوروی ولادیمیر پوتین نخست‌وزیر روسیه کلیه اختلافات خود را با پکن حل کرد و علاوه بر آن اخیراً در منطقه سبیری شرقی خط اوله نفت و گاز به جمهوری خلق چین احداث شده است.

■ **اختلاف مرزی با هند**

دولت هند به نخست‌وزیری نهرو و دولت چین به نخست‌وزیری چوئن لای با آنکه روابط حسنه‌ای با یکدیگر داشتند ولی اختلاف بر سر منطقه «لاداخ» و دامنه هیمالیای رابطه دو کشور را به تیرگی انداخت. دولت هند به نخست‌وزیری نهرو و دولت چین به نخست‌وزیری چوئن لای با آنکه روابط حسنه‌ای با یکدیگر داشتند ولی اختلاف بر سر منطقه «لاداخ» و دامنه هیمالیای رابطه دو کشور را به تیرگی انداخت. دولت هند به نخست‌وزیری نهرو و دولت چین به نخست‌وزیری چوئن لای با آنکه روابط حسنه‌ای با یکدیگر داشتند ولی اختلاف بر سر منطقه «لاداخ» و دامنه هیمالیای رابطه دو کشور را به تیرگی انداخت. دولت هند به نخست‌وزیری نهرو و دولت چین به نخست‌وزیری چوئن لای با آنکه روابط حسنه‌ای با یکدیگر داشتند ولی اختلاف بر سر منطقه «لاداخ» و دامنه هیمالیای رابطه دو کشور را به تیرگی انداخت.

حوادث چین از جنگ کره تا انقلاب فرهنگی



داده بود باعث قتل ۳۵هزار نفر در چین شده‌اند. این دادگاه سه نفر از گروه چهار نفری را به اعدام محکوم کرد و بیهو مائو را نیز به حبس ابد محکوم کرد و او در زندان فوت کرد. در ۱۱ اگوست ۱۹۸۰ خبرگزاری‌ها از قول «هواگوفنگ» اعلام کردند مائو مسول اشتباهات جبران‌ناپذیری است که به تحریک همسرش مرتکب شده است. او گفت مائو فقط یک انسان بود نه یک خدا و انسان خطاکار است و گروه چهار نفری حقایق را از او پنهان می‌کردند و حتی علیه وی توطئه کرده بودند. در دادگاه گروه چهار نفری فاش شد در جریان انقلاب فرهنگی بسیاری از موسسات تولیدی صدمه دیدند، دانشگاه‌ها و مدارس تعطیل شدند و به نام مبارزه با افکار فلسفی کنفسیوس بسیاری از کتاب‌ها سوزانده شدند و عناصر متخصص که باید در کارگاه‌های صنعتی کار کنند به روستاها تبعید شدند و از این رهگذر تولیدات صنعتی و کشاورزی کاهش یافت.

لازم به یادآوری است که لین پیاو که ابتدا در جریان انقلاب فرهنگی طرفدار مائو بود بر ضد مائو توطئه کرد و در راه فرار به شوروی کشته شد. دنگ برای جبران صدمات انقلاب فرهنگی سیاست در‌های باز و اصلاحات در چین آغاز کرد. او گرچه جنبش چهار نفری فاش شد در جریان انقلاب فرهنگی برای جبران اشتباهات صدمه دیدند، دانشگاه‌ها و مدارس تعطیل شدند و به نام مبارزه با افکار فلسفی کنفسیوس بسیاری از کتاب‌ها سوزانده شدند و عناصر متخصص که باید در کارگاه‌های صنعتی کار کنند به روستاها تبعید شدند و از این رهگذر تولیدات صنعتی و کشاورزی کاهش یافت.

لازم به یادآوری است که لین پیاو که ابتدا در جریان انقلاب فرهنگی طرفدار مائو بود بر ضد مائو توطئه کرد و در راه فرار به شوروی کشته شد. دنگ برای جبران صدمات انقلاب فرهنگی سیاست در‌های باز و اصلاحات در چین آغاز کرد. او گرچه جنبش چهار نفری فاش شد در جریان انقلاب فرهنگی برای جبران اشتباهات صدمه دیدند، دانشگاه‌ها و مدارس تعطیل شدند و به نام مبارزه با افکار فلسفی کنفسیوس بسیاری از کتاب‌ها سوزانده شدند و عناصر متخصص که باید در کارگاه‌های صنعتی کار کنند به روستاها تبعید شدند و از این رهگذر تولیدات صنعتی و کشاورزی کاهش یافت.

لازم به یادآوری است که لین پیاو که ابتدا در جریان انقلاب فرهنگی طرفدار مائو بود بر ضد مائو توطئه کرد و در راه فرار به شوروی کشته شد. دنگ برای جبران صدمات انقلاب فرهنگی سیاست در‌های باز و اصلاحات در چین آغاز کرد. او گرچه جنبش چهار نفری فاش شد در جریان انقلاب فرهنگی برای جبران اشتباهات صدمه دیدند، دانشگاه‌ها و مدارس تعطیل شدند و به نام مبارزه با افکار فلسفی کنفسیوس بسیاری از کتاب‌ها سوزانده شدند و عناصر متخصص که باید در کارگاه‌های صنعتی کار کنند به روستاها تبعید شدند و از این رهگذر تولیدات صنعتی و کشاورزی کاهش یافت.

لازم به یادآوری است که لین پیاو که ابتدا در جریان انقلاب فرهنگی طرفدار مائو بود بر ضد مائو توطئه کرد و در راه فرار به شوروی کشته شد. دنگ برای جبران صدمات انقلاب فرهنگی سیاست در‌های باز و اصلاحات در چین آغاز کرد. او گرچه جنبش چهار نفری فاش شد در جریان انقلاب فرهنگی برای جبران اشتباهات صدمه دیدند، دانشگاه‌ها و مدارس تعطیل شدند و به نام مبارزه با افکار فلسفی کنفسیوس بسیاری از کتاب‌ها سوزانده شدند و عناصر متخصص که باید در کارگاه‌های صنعتی کار کنند به روستاها تبعید شدند و از این رهگذر تولیدات صنعتی و کشاورزی کاهش یافت.

کنند. در آوریل ۱۹۶۶ که در واقع آغاز انقلاب فرهنگی بود، لیوشائو چی از خود انتقاد کرد ولی به هر حال از صحنه سیاسی کنار گذاشته شد و به علت رفتار نامناسبی که با او شد چندی بعد درگذشت. (مراجعه کنید به کتاب یک بستر و دو رویا نوشته آندره فونت)

دنگ شیائو پنگ در سمت دبیر اول حزب کمونیست دو مطلب را عنوان کرد که به مذاق مائو و زوجاش خوش نیامد. او گفته بود وظیفه او کار گریه، موش گرفتن استت خواه سیاه باشد و خواه سفید. او با عنوان کردن این جمله به مائو و زوج‌هایش فهماند که در راه پیمودن راه سوسیالیسم لازم نیست فرد چه مشخصاتی داشته باشد بلکه عملاً باید سوسیالیست انعطاف‌پذیر باشد. او بین عناصر حزبی تفاهتی قائل نبود.

جمله دیگری که او به صراحت گفت آن بود که: «مائو پیر شده است. از پیرمرد کاری ساخته نیست. وقتی کسی دچار بیوست می‌شود بی‌جهت نباید مستراح را اشغال کند.» (کتاب یک بستر و دو رویا، ص ۳۷) به تحریک زوج‌ه مائو، «دنگ شیائو پنگ» را با کلاه بوفی در شهر گردانیدند و او را به یکی از روستاهای چین برای کشاورزی تبعید کردند اما طولی نکشید که مائو در ۹ سپتامبر ۱۹۷۶ درگذشت و جانشین او هواگوفنگ به کمک ارتش که به «دنگ شیائو پنگ» وفادار بود کودتای گروه چهار نفری را که به رهبری بیوه مائو در شرف انجام بود در نطفه خفه کرد. «دنگ» وقتی دوباره به قدرت رسید دوباره هنرپیشه بوده و زنی جاه‌طلب بود مائو‌تسه تونگ را بر آن داشت که تحت عنوان انقلاب فرهنگی، عناصر میانه‌رو را تحت عنوان تجدیدنظرطلب از کلیه مناصب دولتی و حزبی اخراج کند. عناصر وابسته به خانم چیانگ چینگ به نام طرفداری از مائو ولی در واقع برای رسیدن به مقامات حساس از رجال حاکم خواستند در ملا‌عام از خود انتقاد

لذا زوج‌ه مائو خانم «چیانگ چینگ» که قبلاً هنرپیشه بوده و زنی جاه‌طلب بود مائو‌تسه تونگ را بر آن داشت که تحت عنوان انقلاب فرهنگی، عناصر میانه‌رو را تحت عنوان تجدیدنظرطلب از کلیه مناصب دولتی و حزبی اخراج کند. عناصر وابسته به خانم چیانگ چینگ به نام طرفداری از مائو ولی در واقع برای رسیدن به مقامات حساس از رجال حاکم خواستند در ملا‌عام از خود انتقاد



میدان تایم، نیویورک